



Intellectual Property from the Perspective of Islamic Jurisprudence and Law

Ali Moshrefi¹, Amir Mollah Mohammad Ali^{2*}, Mahmoud Ghayoumzadeh³

1. PhD Student of Theology and Islamic Studies, Faculty of Humanities, Jurisprudence and Islamic Law, Khomein Branch, Islamic Azad University, Khomein, Iran.

2. Assistant Professor, Department of Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law, Faculty of Humanities, Shahid Mahalati Higher Education Complex Qom, Qom, Iran.

3. Professor, Department of Theology and Islamic Studies, Faculty of Humanities, Saveh Branch, Islamic Azad University, Saveh, Iran.

ARTICLE INFORMATION

Article Type: Original Research

Pages: 977-992

Article history:

Received: 28 Jun 2022

Edition: 1 Sep 2022

Accepted: 17 Oct 2022

Published online: 7 MAR 2023

Keywords:

intellectual property, property, rational way, rule of dominion, rule of harmlessness.

Corresponding Author:

Amir Mollah Mohammad Ali

Address:

Iran, Qom, Shahid Mahalati Higher Education Complex Qom, Faculty of Humanities, Department of Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law.

Orchid Code:

0009-0009-0250-9613

Tel:

09125173175

Email:

drmolla@gmail.com

ABSTRACT

Background and Aims: The undeniable role of intellectual property rights in industrial and commercial developments has caused these issues to enter the legal literature, for this reason, it requires jurisprudential and legal discussion. Accordingly, the purpose of this article is to examine intellectual property from the perspective of Islamic jurisprudence and law.

Materials and Methods: The research method is descriptive and analytical and this research is theoretical. The method that has been used to collect information is in the form of a library and it has been done by referring to articles and internal books.

Ethical Considerations: In this article, the originality of the texts, honesty and trustworthiness are observed.

Findings: Some jurists do not recognize intellectual property rights citing reasons such as the rule of sovereignty, non-prescription by the Sharia and conflict with the sanctity and mission of science, and some other jurists citing the rule of harm, the principle of rationality, and the rule of preserving the system. They consider the rule of intellectual property rights as legitimate.

Conclusion: Intellectual property is considered a type of property in custom and people are willing to buy and sell it, so ownership is a type of property. Intellectual property rights are considered "property" since they do not conflict with Sharia and are accepted from the point of view of custom and can be bought and sold, and it is necessary to pay more attention to them.

Cite this article as:

Moshrefi A, Mollah Mohammad Ali A, Ghayoumzadeh M. Intellectual Property from the Perspective of Islamic Jurisprudence and Law. Documents. Economic Jurisprudence Studies. 2022.



فصلنامه مطالعات فقه اقتصادی، دوره چهارم، شماره پیاپی ۵، سال ۱۴۰۱

مالکیت فکری از دیدگاه فقه و حقوق اسلامی

علی مشرفی^۱، امیر ملا محمدعلی^{۲*}، محمود قیومزاده^۳

۱. دانشجوی دکتری الهیات و معارف اسلامی، دانشکده علوم انسانی، فقه و حقوق اسلامی، واحد خمین، دانشگاه آزاد اسلامی، خمین، ایران.

۲. استادیار گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشکده علوم انسانی، مجتمع آموزش عالی شهید محلاتی قم، قم، ایران.

۳. استاد گروه الهیات و معارف اسلامی، دانشکده علوم انسانی، واحد ساوه، دانشگاه آزاد اسلامی، ساوه، ایران.

چکیده

زمینه و هدف: نقش غیر قابل انکار حقوق مالکیت فکری در تحولات صنعتی و تجاری موجب شده است این موضوعات وارد ادبیات حقوقی شود. به همین دلیل نیازمند بحث و بررسی فقهی و حقوقی است. بر همین اساس هدف مقاله حاضر بررسی مالکیت فکری از دیدگاه فقه و حقوق اسلامی است.

مواد و روش‌ها: پژوهش حاضر به صورت توصیفی-تحلیلی است و روشی که برای جمع‌آوری اطلاعات استفاده شده است، کتابخانه‌ای است و با مراجعه به کتاب‌ها و مقاله‌های داخلی انجام شده است.

ملاحظات اخلاقی: در این مقاله، اصالت متون، صداقت و امانت‌داری رعایت شده است.

یافته‌ها: برخی فقها با استناد به دلایلی چون قاعده سلطه، عدم تجویز از سوی شرع و تعارض با قداست و رسالت علم، حقوق مالکیت فکری را به رسمیت نمی‌شناسند و برخی دیگر از فقها با استناد به قاعده لاضرر، بنای عقلا و قاعده حفظ نظام و اتفاقاً قاعده سلطنت حقوق مالکیت فکری را مشروع می‌دانند. بنای عقلا، قاعده سلطه و حرمت تصرف در اموال دیگران بدون اجازه آن‌ها، قاعده لاضرر و مصالح مرسله از مهم‌ترین مبانی فقهی مالکیت فکری است.

نتیجه: در عرف نیز مالکیت فکری نوعی مال محسوب می‌شود و مردم حاضر به خرید و فروش آن هستند؛ لذا داری نوعی مالیت است. حقوق مالکیت فکری از آنجا که مغایرتی با شرع ندارد و از دیدگاه عرف پذیرفته شده است و قابل خرید و فروش است، «مال» تلقی شده است و لازم است بیش‌ازپیش مورد توجه قرار گیرد.

اطلاعات مقاله

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات: ۹۷۷-۹۹۲

سابقه مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۴/۰۷

تاریخ اصلاح: ۱۴۰۱/۰۶/۱۰

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۷/۲۵

تاریخ انتشار: ۱۴۰۱/۱۲/۱۶

واژگان کلیدی:

مالکیت فکری، مالیت، سیره عقلا، قاعده سلطه، قاعده لاضرر

نویسنده مسئول:

امیر ملا محمدعلی

آدرس پستی:

ایران، قم، مجتمع آموزش عالی شهید محلاتی قم، دانشکده علوم انسانی، گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی.

کد ارکید:

0009-0009-0250-9613

تلفن:

۰۹۱۲۵۱۷۳۱۷۵

پست الکترونیک:

drmolla@gmail.com

۱. مقدمه

در حوزه ادبی- هنری را در فقه امامیه و حقوق ایران بررسی کرده‌اند. مختار مهرابی (۱۳۹۵) نیز در مقاله‌ای از ماهیت حقوق مالکیت فکری و نقش آن در حقوق اموال بحث کرده است. زهرا شاکری و یاسمن جعفرپور (۱۳۹۹)، چالش‌های حقوق مالکیت فکری برای حمایت از آثار هنری در موزه‌های معاصر را مورد بررسی قرار داده‌اند. تمایز و نوآوری مقاله حاضر نسبت به پژوهش‌های انجام‌شده این است که در این مقاله، سعی بر این شده است تا مالکیت فکری از دیدگاه فقه و حقوق اسلامی مورد بررسی قرار گیرد.

۲. مواد و روش‌ها

روش پژوهش حاضر به صورت توصیفی- تحلیلی است. روشی که برای جمع‌آوری اطلاعات استفاده شده است کتاب‌خانه‌ای و با مراجعه به کتاب‌ها و مقاله‌های داخلی انجام شده است.

۳. ملاحظات اخلاقی

در این مقاله، اصالت متون، صداقت و امانت‌داری رعایت شده است.

۴. یافته‌ها

برخی فقها با استناد به دلایلی چون قاعده سلطه، عدم تجویز از سوی شرع و تعارض با قداست و رسالت علم، حقوق مالکیت فکری را به رسمیت نمی‌شناسند

ذات انسان اجتماعی بودن است و نیازمندی‌های او بر همین اساس است. انسان هم در بعد مادی و هم در بعد معنوی احتیاجات خود را با تنوع دنبال می‌کند و به مالکیت خود در می‌آورد. نیازهای مادی او از دیرباز به صورت احتیاجات اولیه در قالب کالا مانند خوراک و پوشاک و مسکن در زندگی او در جریان است؛ اما نیازهای فکری یا معنوی او که زائیده تفکر و اندیشه و ذهن خلاق اوست او را بر آن داشته است تا با حصار مالکیت به آن‌ها هویت بخشد و حراست کند. از جمله آن‌ها آثار ادبی هنری، ابداعات و نوآوری‌ها در زمینه صنعت و تجارت و تکنولوژی و امروزه در فضای مجازی و اینترنت است. حق مالکیت فکری و معنوی در جهان از اهمیت بالایی برخوردار است و می‌توان دلیل رویکرد جهانی به مالکیت فکری را برای رسیدن به این هدف دانست که خلق اثر فکری برای رشد و رسیدن به تمدن مطلوب به ابزار کافی نیاز دارد. مالکیت فکری و معنوی از جمله مسائلی است که در جهان امروز از اهمیت بالایی برخوردار است. به نحوی که در تمام ابعاد حقوقی خود دارای کاربرد است. تخصصی شدن دانش سبب شده است تا رشته‌ای تحت این عنوان در دانشگاه‌ها پدید آید و دانشجویان به صورت تخصصی به مطالعه و تحقیق در این حوزه از دانش بپردازند. با توجه به نقش تعیین‌کننده فقه در نظام حقوقی، شناخت رویکرد فقه در خصوص جایگاه و ماهیت مالکیت فکری اهمیتی ویژه دارد. در همین حال به دلیل ناچیز بودن تولید علم و فناوری چندان مورد استقبال قرار نگرفته است. پژوهش‌های متعددی در زمینه حقوق مالکیت فکری انجام شده است. علی‌اکبر ایزدی‌فرد و احمدعلی محسن-زاده (۱۳۹۳) در مقاله‌ای انتقال حقوق مالکیت فکری

دیگران بدهند یا بهره‌برداری از آن را ممنوع سازند» (آیتی، ۱۳۷۵، ۱۳۳). در کل مالکیت‌های فکری به معنای انواع مالکیت و سلطه تام بر آثار فکری برای پدیدآورنده اثر فکری است. به لحاظ حقوقی، اصطلاح مالکیت‌های فکری اشاره به حقوق و امتیازهای ویژه‌ای نسبت به موضوع‌های فکری دارد.

«گروه‌های ذی‌نفع در برخورداری از حمایت حقوق معنوی عبارت‌اند از: ۱- هنرمندان اجراکننده که نوعاً منظور بازیگران، هنرپیشگان، نوازندگان و خوانندگان می‌باشند در بسیاری از قوانین ملی به اجراکنندگان مزبور حقوقی در خصوص اجراهایشان اعطاشده که مشابه با حقوق مؤلفین در آثارشان می‌باشد مثل حق ضبط یا تکثیر و اجرا. ۲- تهیه‌کنندگان آثار صوتی که در قبال تکثیر غیر مجاز محصولات و فرآورده‌های صوتی‌شان مورد حمایت فردی قرار می‌گیرند. ۳- سازمان‌های پخش رادیویی و تلویزیونی که غالباً در سطح ملی در مقابل استفاده بدون مجوز از برنامه‌هایشان مورد حمایت قرار گرفته‌اند» (محمدی و دیگران، ۱۳۹۴، ۳).

یکی از اموری که به نحوی دست‌خوش تغییرات و ملاحظات انسانی واقع می‌شود مبحث مالکیت فکری است که از دو جهت دیده می‌شود.

الف) اتفاقاتی که در این حوزه به‌طور روزانه می‌افتد و چون خیلی ملموس نیست نظرها را به خود بر نمی‌انگیزد و توجهات را جلب نمی‌کند، نمونه‌های ساده آن در کوچه و خیابان دیده می‌شود. کپی‌برداری از طرح تابلو سردرب مغازه‌ها، کپی‌برداری از لوگو یا آرم یک نهاد و یا سازمان و یا شرکت خاصی، مشابه‌سازی محصولات تولیدی در زمینه خودرو، پوشاک، مسکن و کپی‌برداری از

و برخی دیگر از فقها با استناد به قاعده لاضرر، بنای عقلا و قاعده حفظ نظام و اتفاقاً قاعده سلطنت حقوق مالکیت فکری را مشروع می‌دانند. بنای عقلا، قاعده سلطه و حرمت تصرف در اموال دیگران بدون اجازه آن‌ها، قاعده لاضرر و مصالح مرسله از مهم‌ترین مبانی فقهی مالکیت فکری است.

۵. بحث

«حقوق مالکیت فکری در معنای وسیع کلمه عبارت است از حقوق ناشی از آفرینش‌ها و خلاقیت‌های فکری در زمینه‌های علمی، صنعتی، ادبی و هنری. مالکیت فکری با مالکیت فکری رابطه حقوقی معنوی و عادی خاصی است بین پدیدآورنده اثر و آفریننده فکری که به‌موجب آن صاحب اثر با حقوق شخصیت و اعتبار معنوی خود حق بهره‌برداری مادی از آن را در حدود قانون دارد» (میرحسینی، ۱۳۸۵، ۱۷).

به‌طور سنتی حقوق مالکیت فکری به دو شاخه اصلی تقسیم می‌شوند. الف) حقوق مالکیت صنعتی؛ ب) حق مؤلف یا حق کپی‌برداری. «غرض از مالکیت صنعتی همان‌طور که در کنوانسیون پاریس برای حمایت از مالکیت صنعتی آمده است مفهوم عام است و این مفهوم نه‌تنها در صنعت و بازرگانی به معنی احض اطلاق می‌شود؛ بلکه بر رشته‌های صنایع کشاورزی و استخراجی و کلیه محصولات مصنوعی یا طبیعی از قبیل برگ توتون میوه و دام و گل و مواد معدنی و آرد و دانه نیز مشمول دارد. حق مؤلف یا کپی‌رایت برای مؤلفان و سایر آفرینندگان آثار ادبی و هنری حقوق خاص را قائل می‌شود تا آنان بتوانند در مدت‌زمان معین اجازه بهره‌برداری آثار خود را به

انسان را می‌دهد. به‌عنوان مثال حقی که تاجر و صنعتگر نسبت به نام تجارتي با شکل خاص و علامت کالاها و فرآورده‌های خود دارد یا حقی که نویسنده اثر ادبی یا مخترعی نسبت به آن اثر و اختراع پیدا می‌کند حق معنوی است» (سلطانی و دیگران، ۱۳۸۶، ۷۷).

مالکیت فکری از چند جهت حائز اهمیت است: ۱- هم معنوی است هم مادی: زیرا این مالکیت در نتیجه خلق آفرینش‌ها و خلاقیت‌های فکری در زمینه‌های علمی-صنعتی-ادبی، هنری به‌وجود می‌آید و ترکیبی از حقوق اموال مادی و حقوقی غیر مادی یا معنوی است. در واقع این حقوق نه همانند اموال مادی است که جنبه مادی آن‌ها غلبه دارد و نه همانند حقوق معنوی که با عالم مادی بی‌ارتباط است. بلکه بین این دو قرار دارد و هر دو قسم حقوق مذکور در آن‌ها از اهمیت به‌سزایی برخوردار می‌باشند (محمدی و دیگران، ۱۳۹۴، ۴).

۲- دارای ویژگی‌های غیر معمولی است: به‌دلیل وجود همین ویژگی‌های غیر ملموس، بیشتر از دیگر حقوق در معرض سوءاستفاده دیگران است. این بدان معناست که در مالکیت مادی ویژگی‌ها ملموس است (میزان پیشرفت، حجم کالا، صرف هزینه و غیره) ولی در مالکیت فکری معنوی بسیاری از این ویژگی‌ها قابل اندازه‌گیری نیست. اهمیت آن از این جهت است که این تهدید مذکور و آسیب‌های موجود با ظهور فناوری نوین و پیشرفته و تبادل اطلاعات بیش‌ازپیش در حال فزونی است و حاکمیت را بر آن می‌دارد تا با همت مضاعف در جهت حفظ این مالکیت بکوشد و راه‌های سلطه و نفوذ و سوءاستفاده دیگران را سد کند. در مجموع در تعریف مالکیت

معماری سنتی، معماری مدرن، تقلید از یک برنامه رادیو و تلویزیونی، عکس‌برداری از برند یک شرکت دیگر، کپی‌برداری از طرح روی جلد مجلات، کتاب‌ها و ده‌ها مورد دیگر که به‌نوعی یک سرقت مالکیتی است هم در زمینه ادبی، هنری و صنعتی.

(ب) وضع قوانین لازم در زمینه حفظ امنیت ایده‌پردازان و صاحبان آثار ادبی و هنری به‌نحوی که بتوانند از منافع آنچه دست‌مایه خود می‌دانند استفاده کنند و نیز جلوی سوءاستفاده‌کنندگان گرفته شود. قانون در مورد فوق گسترده و وسیع است؛ اما از آنجا که تشخیص درست یا نادرست بودن آن‌ها معیارها و میزان قابل توجهی نیاز دارد، به‌طور صحیح انجام نمی‌گیرد و بسیاری از ارگان‌های متولی ابزار لازم را ندارند و بدین ترتیب بخش‌نامه‌ها و دستورالعمل‌های آنان بی‌تأثیر گردیده است و سوداگران به‌دنبال منافع خود دست به هر اقدامی می‌زنند (شیرینی، ۱۳۸۳، ۱۸).

مالکیت فکری دارای ویژگی‌هایی است. از ویژگی‌های مالکیت فکری استغراق و گستردگی آن است؛ یعنی مباحث زیادی را در بر می‌گیرد. به‌عنوان مثال حق علامت یا حق نام تجاری و نیز حق سرقتی جزء خانواده مالکیت فکری است.

فراگیر بودن دیگر ویژگی مالکیت فکری است. یعنی تمامی حقوق از جمله حق تألیف، حق طبق، حق علائم و نام‌های تجاری و حقوق طراحی را در بر می‌گیرد.

«ویژگی انحصاری بودن مشترک با مالکیت مادی است؛ اما برحسب قانون حقوقی است که به صاحب آن اختیار انتفاع انحصاری از فعالیت و فکر و ابتکار

این باره می‌نویسد: «هرکس چیزی تألیف کند، آن تألیف نتیجه کار فکری و اندیشه وی بوده و بنابراین، مالک و صاحب آن است و حق دارد دیگران را از هر گونه دخل و تصرفی در آن بازدارد؛ زیرا مردم شرعاً و عرفاً بر اموال خویش مسلط هستند. البته مالکیت او مطلق نیست و دلیلی بر حرمت انتفاع و تصرفات معنوی مانند مطالعه و استناد به آن وجود ندارد. آنچه جایز نیست نسخه‌برداری و تکثیر بدون اجازه مؤلف است که در این صورت می‌تواند مطالبه حق کند (الندوی، ۱۳۷۶، ۱۶۱). بر اساس این دیدگاه: «مالکیت حقوقی عبارت است از احاطه و سلطنت کسی بر چیزی که این قسم امری است که عقلاً آن را بر حسب نیاز جامعه برای اشخاص حقیقی و حقوقی اعتبار کرده‌اند. لذا هر کس هر چیزی را تألیف می‌کند، چون نتیجه کار فکری اوست، مالک و صاحب آن می‌شود. البته مالکیت او مطلق نیست و دلیل بر حرمت امتناع و تصرفات معنوی وجود ندارد. آنچه جایز نیست، نسخه‌برداری و تکثیر بدون اجازه مؤلف است که در این صورت مؤلف می‌تواند مطالبه حق نماید» (روحانی، ۱۴۲۰، ۲۲۵). بر این اساس، مالکیت فکری هم‌چون مالکیت مادی محترم است و تجاوز به حریم آن جایز نیست و هر کس تجاوز کند و خسارتی به بار آورد ضامن است.

۵-۱-۲. قاعده لاضرر

قاعده لاضرر از دیگر قواعد در این خصوص است. می‌توان قاعده لاضرر را از مبانی فقهی جبران خسارت نقض انواع مالکیت‌های صنعتی یعنی اختراعات، طرح‌های صنعتی و علامت‌های تجاری مورد تأکید در قانون ثبت اختراعات، طرح‌های صنعتی و علائم-

فکری می‌توان گفت مزایای قانونی و غیر مادی مربوط به شخصیت پدیدآورنده یک اثر فکری که به موجب آن وی برای همیشه از یک دسته حقوق خاص برخوردار است یا حقوق و امتیازات غیر مالی مربوط به شخصیت (پدیدآورنده) برای حمایت از اوست.

۵-۱. دیدگاه موافقان مالکیت فکری در فقه

مبانی فقهی پذیرش مالکیت فکری از منظر فقهی عبارت است از:

۵-۱-۱. قاعده تسلیط

در فقه جهت حمایت می‌توان به قواعد مختلفی استناد کرد. قاعده سلطنت از جمله این قواعد است. از این منظر، «هرکس چیزی تألیف کند، آن تألیف نتیجه کار فکری و اندیشه وی بوده و بنابراین، مالک و صاحب آن است و حتی دارد دیگران را از هر گونه دخل و تصرفی در آن باز دارد؛ زیرا مردم شرعاً و عرفاً بر اموال خویش مسلط هستند. البته مالکیت او مطلق نیست و دلیلی بر حرمت انتفاع و تصرفات معنوی مانند مطالعه و استناد به آن وجود ندارد. آنچه جایز نیست نسخه‌برداری و تکثیر بدون اجازه مؤلف است که در این صورت می‌تواند مطالبه حق کند (حسینی روحانی، ۱۳۸۵، ج ۲، ۹۷).

این دلیل به‌عنوان یکی از ادله عدم مشروعیت مالکیت فکری بیان گردید؛ اما بعضی همین دلیل را برای اثبات مالکیت فکری به کار برده‌اند. با توجه به اینکه حقوق فکری مالکیت دارد، برخی فقیهان به استناد قاعده سلطه تصرف دیگران در آن‌ها را منوط به اذن صاحب آن می‌دانند. حسینی روحانی در

مؤلف یا هنرمند و نظایر آن، اضرار به آن‌ها تلقی می‌شود که در شریعت مقدس به صراحت ممنوع شده است» (اصفهانی، ۱۴۱۰، ۲۵). از جهت دیگر امروزه نظام مالکیت فکری از مرز کشورها فراتر رفته است و به صورت جهانی در آمده است. از این رو، هر گونه تصمیم‌گیری راجع به آن باید با لحاظ ابعاد بین‌المللی صورت گیرد. مسئولیت مدنی ناشی از اضرار به مالکیت فکری، به سه عامل بستگی دارد: مبنای اعتبار مالکیت فکری، ماهیت مالکیت فکری و ادله مسئولیت مدنی و حوزه شمول آن. مبنای مالکیت فکری در قالب نظریه‌های کار، شخصیت، پاداش و منفعت و ماهیت مالکیت فکری به عنوان مال، مالکیت و یا حق انتفاع و ادله مسئولیت مدنی با عناوینی چون قاعده لاضرر قابل تحلیل است.

۵-۱-۳. مالیت اموال فکری

فقهای شیعه هیچ تأکیدی بر «محسوس بودن شیء متعلق مال» ندارند (خوئی، ۱۴۱۹، ج ۲، ۲۰؛ اصفهانی، ۱۴۱۸، ج ۴، ۳۶۴) «و اگر عرف عقلاً امری را مال بدانند، چه آن امر محسوس باشد، چه غیر محسوس، کافی است. در همین راستا با ملاحظه تاریخ فقه می‌توان دریافت که فقها از گذشته‌های دور قائل به صحت بیع دین یا عین کلی و مالکیت بر آن‌ها بوده‌اند که فی نفسه اموری غیر محسوس هستند. شاید برای همین است که مشروعیت اموال فکری خیلی سریع نزد اکثریت قاطع فقهای شیعه تثبیت شد» (انصاری، ۱۳۷۵، ۳۷۴). اطلاعات سری تجاری نیز به عنوان مصداقی از اموال فکری امری غیر محسوس است که قابلیت تعریف در دایره شمول حقوق مالکیت فکری را دارد. به علاوه، یکی از عناصری که برای این گونه

تجاری مصوب ۱۳۸۶ قلمداد کرد. قاعده لاضرر قاعده فقهی برگرفته از متن حدیث نبوی «لاضرر و لاضرار فی الاسلام» است که بر نفی ضرر و زیان زدن به خود و دیگران در دین اسلام و حرمت آن دلالت می‌کند. «اگرچه در تفسیر قاعده لاضرر اختلاف نظر وجود دارد؛ ولی قاعده مزبور را چه به معنی نفی حکم ضروری، نهی از اضرار و یا نفی ضرر غیر متدارک بگیریم تصرف در چنین حقوقی جایز نبوده و مستلزم اجازه از صاحبان آن‌ها است» (انصاری، ۱۴۱۴، ۳۷۳). زیرا در عصر جدید، تولید محصولات فکری نیازمند ممارست و تلاش زیادی است و آفریننده‌های فکری بعد از سال‌ها تحقیق و پژوهش و صرف هزینه‌های زیاد موفق به خلق یک اثر و تولید دانش می‌شوند.

لاضرر و لاضرر به لحاظ دلالت، علت و کبرایی کلی است که معمم و مخصص است. از این رو، به این علت در موارد گوناگون استناد شده است. اگر قاعده لاضرر علت و کبرای کلی باشد، در واقع موضوع اصلی حکم ضرر است که بر حسب قاعده، نفی شده است. بدین سان، قاعده یادشده در مقام ارائه قانونی کلی است که دائر مدار وجود و عدم ضرر است. بر اساس این علت است که حکم تعمیم می‌یابد یا تضییق می‌گردد (حسین‌زاده یزدی، ۱۳۹۱، ۱۱).

«شخصی که اقدام به تألیف کتاب، تولید یک فیلم سینمایی با ابداع یک اختراع می‌کند، ممکن است متحمل هزینه‌های زیادی شود. اگر اشخاص مجاز به تکثیر اثر فکری، اکران فیلم و با تولید انبوه اختراع باشند، مستلزم ضرر به پدیدآورندگان این گونه آثار خواهد بود که به استاد قاعده لاضرر باید جلوی این عمل گرفته شود» (توحیدی، ۱۳۶۸، ج ۳، ۴۰۴). «بر اساس قاعده لاضرر و لاضرار، بهره‌برداری از نتایج کار

اطلاعات ذکر شد، لزوم درآمدزایی به معنای ارزش اقتصادی مستقل بود و چون وجود ارزش اقتصادی و درآمدزایی فرع بر مالیت داشتن این گونه اطلاعات است و از طرفی مال بودن اطلاعات مزبور با توجه به ادله مالیت حقوق فکری قابل توجیه است، اطلاعات مزبور می‌تواند مصداقی از اموال فکری باشد و ذیل عنوان مالکیت فکری قرار گیرد.

۵-۱-۴. تمسک به قاعده مصالح مرسله

مصالح مرسله عبارت است از تشریح حکم برای حوادث واقعه و پدیده‌های نو بر مبنای رأی و مصلحت‌اندیشی در مواردی که به‌عنوان کلی و یا جزئی نصی وارد نشده باشد (جناتی، ۱۳۷۰، ۳۱۸). مصالح مرسله به معنی منفعت‌ها یا دفع ضررهایی است که در مورد آن‌ها نص شرعی وجود ندارد، و بر اساس نظریه مصالح مرسله، وجود مصلحت مزبور، منبع مستقل حکم شرعی به‌شمار می‌آید. ابداع این نظریه را به امام مالک نسبت داده‌اند (غزالی، ۱۳۸۲، ج ۱، ۲۸۴؛ آمدی، ۱۴۰۵، ج ۳، ۲۰۳). مالکیت فکری تحت قاعده مصالحه قرارداد، در فقه تعریف شده است به عبارت دیگر فقیهان امامیه (شبیری، ۱۳۸۳، ۲۵) و اهل سنت «الدربینی، ۱۴۰۱، ۸۴»، گاهی در نوشته‌های خود از عقد صلحی بحث کرده‌اند و آن را جایز می‌دانند که بر اساس آن آبیاری کردن، عوض صلح قرار می‌گیرد و یا دو نفر باهم صلح می‌کنند، به این ترتیب که یکی از آن دو آب را بر سطح منزل دیگری جاری می‌سازد و به نظر می‌رسد چنین موارد و مصادیق، همان صلح التزامی است (حسینی و دیگران، ۱۳۸۲، ۲۸).

یکی از پژوهشگران معاصر، برای اعتبار بخشیدن به حق مالکیت فکری، به قاعده مصالح مرسله تمسک کرده است (الزحیلی، ۱۹۸۹، ج ۳، ۱۲۵). برخی از معاصران این قاعده را این‌گونه تعریف کرده‌اند: «مصلحت مرسله از نظر لغوی به معنای منفعت معقول است و در اصطلاح اصولیین، عبارت از حکمی است که منطبق با اهداف و اغراض شرعی بوده است؛ اما هیچ دلیل خاص معتبر شرعی از اخبار نسبت به اعتبار یا بی‌اعتباری آن وجود ندارد مانند مصلحتی که صحابه پیامبر در جمع کردن قرآن در ابتدای زمان حکومت خلفای راشدین دیدند. مصالح مرسله در یک تقسیم‌بندی به سه نوع: ضروریات، مثل احکام جهاد؛ حاجیات، مثل احکام مربوط به انواع معاملات؛ و تحسینات، مانند احکام مربوط به پوشیدن لباس تمیز و پاکیزه تقسیم می‌شود» (شبیری، ۱۳۸۳، ۲۵).

«در تطبیق قاعده مصالح مرسله بر حقوق مالکیت فکری می‌توان گفت که در حمایت از این حقوق یک مصلحت عمومی مهم وجود دارد که به همه جوامع انسانی بر می‌گردد و آن مصلحت ارزش‌های فکری است که در شئون گوناگون زندگی دارای اثر می‌باشد و از این جهت، از جمله حقوق الهی به‌شمار می‌آید؛ زیرا فایده آن عام است؛ زیرا مصلحت مرسله از مبانی عدالت و حتی می‌باشد. بنابراین پدیده‌های فکری ملک هستند» (الدربینی، ۱۴۰۱، ۸۴). این مبنا در میان اهل سنت دلیل متقنی است.

۵-۱-۵. بنای عقلا

«یکی از ادله‌ای که برای مشروعیت حقوق مالکیت فکری ذکر شده است، بنای عقلا است. بنای عقلا

بلکه مجرد عدم قیام دلیل بر عدم ملکیت کافی است برای ثبوت شرعی همانند عقلا» (فاضل-لنکرانی، ۱۳۷۱، ۲۰۷). برخی فقهای شیعه نیز با تمسک به دلیل عقل به عنوان منبع استنباط احکام کوشیده‌اند مشروعیت حق مؤلف را اثبات کنند. به گفته جعفر سبحانی: «هر نوع عمل که در نظر عرف و عقلا منشأ حقوق باشد، رعایت آن لازم و تجاوز به آن مصداق ظلم و شرعاً حرام است» (سبحانی، ۱۳۷۱، ۲۰۷).

بر اساس آنچه گفته شد بر اساس بنای عقلا، حقوق مالکیت فکری حق شرعی است که دلایلی عقلی مانند «ضرورت حفظ نظام جامعه اسلامی و لزوم رفع نیازهای مسلمانان» اقتضا دارد که نظام حقوق مالکیت فکری پذیرفته شود؛ زیرا حذف این نظام حقوقی موجب ایجاد اختلال در معاش شماری از انسان‌ها، تحقق هرج و مرج، ایجاد عسر و حرج و در معرض خطر قرار گرفتن اموال و اعراض انسان‌ها می‌شود. به علاوه پذیرش نظام حقوق مالکیت آثار فکری به تقویت انگیزه اشخاص در آفرینش آثار جدید منجر می‌شود که از جمله مصالح مسلمانان است.

۵-۱-۶. مالکیت تکوینی اعمال ذهنی

مالکیت نوعی تسلط بر چیزی است. این تسلط یا امری حقیقی و تکوینی است یا اعتباری و قراردادی. از باب مثال، تسلطی که فرد بر قوا و اعضا و جوارح خود دارد و به سبب آن، می‌تواند به کارشان بگیرد، مالکیت حقیقی و تکوینی او بر آنها است و تسلطی که به موجب قانون بر بعضی اموال پیدا می‌کند و به

عبارت است از استمرار عمل و روش توده عقلا در محاورات، معاملات و سایر روابط اجتماعی بدون توجه و در نظر گرفتن کیش، آئین و ملت آنها» (یوسفوند، ۱۳۸۵، ۱۱۵). به دیگر سخن «مراد از بنای عقلا همان استمرار عمل عقلا است» (مظفر، ۱۳۷۰، ج ۲، ۱۷۱؛ فیض، ۱۳۷۴، ۲۰۳؛ حکیم، ۱۴۱۸، ۱۹۷-۱۹۸). «روش و عملی که همیشگی و همه جایی است» (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۸، ۱۱۴). اگر به عقل سلیم مراجعه نماییم در خواهیم یافت که فطرت و وجدان وجود مالکیت را امری انکارناپذیر می‌داند (صدر، ۱۴۰۲، ۴۳۳). بنابراین مالکیت ریشه فطری دارد و عقلا بر اساس انگیزه عقلایی آن را اعتبار می‌کنند. در مورد حقوق فکری و معنوی نیز سیره عقلا بر این بوده است که برای آنها ارزش و اعتبار قائل شده‌اند. امروز در تمام جوامع عقلایی و نظام‌های حقوقی دنیا این مسئله جزء حقوقی است که برای آن ارزش قائل هستند و مختص به ذی حق است. به طوری که کسی غیر او حق استفاده از آن را ندارد و اگر کسی از این حق بدون اجازه وی استفاده کند هم از نظر عرف، عمل خلاف و ناپسند انجام داده است و هم از لحاظ جزایی قابل تعقیب است» (موسوی بجنوردی، ۱۳۷۱، ۲۱۱). از دیدگاه فاضل لنکرانی: «گرچه حضرت امام خمینی اعتبار شرعی این حقوق را نفی نموده‌اند، لکن به نظر قاصر می‌رسد که حقوقی را که از نظر عقلا حق شناخته می‌شود و آثاری بر آن مترتب می‌کنند، تا دلیل شرعی بر نفی حق بودن آنها قائم نشده، نمی‌توان آنها را نفی کرد و از ترتب آثار آنها جلوگیری نمود و ادله‌ای مانند «الناس مسلطون علی اموالهم» نمی‌تواند نافی حق بودن آنها باشد. همان‌طور که در باب ملکیت لازم نیست دلیل بر ثبوت آن قائم شود،

این از موارد تمسک به ارتکاز عقلایی نیست تا محذور پیشین رخ نماید؛ بلکه ما بر ادعای خود به روایت عدم جواز حلیت تصرف در مال غیر تمسک می‌کنیم. مثل توقیع شریفی که از ناحیه امام عصر (عج) به دست ابو جعفر بن عثمان عمری رسیده است و یا روایت سماعه و روایت زید شحام. اگر بپذیریم که روایات نهی از تصرف در مال غیر، اعم بوده است و نه تنها ملکیت اعتباری؛ بلکه ملکیت تکوینی را هم شامل می‌شود، باز خواهیم گفت که مملوک به ملکیت تکوینی که به معنای سلطنت تکوینی است، درباره خود کارها است نه نتایج آن‌ها که از انسان سر می‌زند و سپس از اختیار او تکویناً خارج می‌شود. درست است که کتاب به معنای ذهنی و تجریدی‌اش در ملکیت تکوینی پدیدآورنده آن است، اما همین کتاب به مجرد ایجاد مؤلف و تبلور یافتن در قالب کتاب خارجی، رابطه آن با مؤلفش، مانند رابطه خانه با سازنده آن خواهد شد و همچنان که صاحب خانه بر خانه سلطنت تکوینی ندارد، مؤلف نیز بر کتاب خود سلطنت تکوینی ندارد و هر دو به سلطنت اعتباری و ارتکازی نیاز دارند و اگر بخواهیم به ارتکاز باز گردیم، در واقع همان راه حل نخست را برگزیده‌ایم که مبتلا به اشکالات یادشده است» (حائری، ۱۳۷۹، ۱۰۳).

۵-۱-۷. منطقه الفراغ

علاوه بر این «منطقه الفراغ به حوزه‌ای از شریعت اسلامی ناظر است که به سبب ماهیت متغیر آن، احکام موضوعات و عناوین می‌تواند متغیر باشد و شارع، وضع قواعد مناسب با اوضاع و احوال و مقتضیات زمان و مکان را با حفظ ضوابط و در

سبب آن، اجازه تصرف در آن‌ها را دارد، به گونه‌ای که دیگران بدون اذن او نباید در آن اموال تصرف کنند، مالکیت اعتباری او بر آن اموال نامیده می‌شود. «از مجموع معارف قرآنی این‌گونه استنباط می‌شود که دو گونه تصرف برای خداوند مطرح شده است. نوع اول به مالکیت تکوینی مربوط می‌شود که مبنای مالکیت حقیقی و تکوینی پروردگار است. چنین تصرفی با تکیه بر هدایت تکوینی پروردگار درباره تمام موجودات صورت می‌پذیرد؛ اما با توجه به موجوداتی مانند انسان که دارای اختیار هستند، نیاز به هدایت تشریحی مطرح است که در این گستره، خداوند با تکیه بر اینکه انسان یکی از عاقلان به‌شمار می‌رود، اموری را اعتبار کرده است و از طریق سلسله انبیا برای آن‌ها تبیین می‌کند. چنانچه در این امور، در مورد یا موارد خاصی به نوع رابطه بین انسان و ثروت یا مالی پرداخته شود، نشان‌دهنده دخالت و تصرف خاصی از پروردگار است. این دخالت که در دایره تشریح و درباره امر اعتباری است، خود نیز می‌باید از سنخ امور اعتباری باشد. به همین سبب می‌توان گفت: چنین دخالتی بر مالکیت اعتباری خداوند متکی است. یقیناً این نوع تصرف، با تصرف تکوینی تفاوت دارد» (هادوی نیا، ۱۳۸۲، ۲۱).

«ملکیت انسان نسبت به ذمه خویش، کارها، جوارح، اعضا و دستاوردهای کارهایش، ملکیت و سلطه‌ای تکوینی است نه اعتباری؛ و عقلاً در این موارد، نیازی به جعل سلطنت اعتباری مانند ملکیت انسان نسبت به خانه نمی‌بینند؛ زیرا معتقدند سلطنت تکوینی انسان را از سلطنت اعتباری بی‌نیاز می‌سازد. این ملکیت تکوینی، موضوع حق اختصاص و اولویت انسان نسبت به کارها و دستاوردهای خویش است و

۵-۲. دیدگاه مخالفان مالکیت فکری در فقه

از دیدگاه امام خمینی (ره) چنین حقی وجود ندارد و نمی‌توان برای مؤلف چنین حقی اثبات کرد. به عقیده ایشان: «انحصاری بودن تجارت یک شیء یا اشیا برای مؤسسه‌ای یا تعدادی از تجار یا مانند این‌ها هیچ اثر شرعی ندارد و بازداشتن دیگران از تجارت و صنعت حلال و محصور دانستن در حق چند نفر جایز نمی‌باشد. و نیز قیمت‌گذاری بر اجناس و بازداشتن مالکش از بیش‌تر فروختن جایز نیست؛ البته برای امام و والی مسلمین این حق است که چنانچه صلاح می‌داند در امور مسلمین از قیمت‌گذاری بر جنس و صنعت و انحصار تجارت یا غیر آن و هر آنچه را که برای نظم و صلاح جامعه مفید است، انجام دهد» (موسوی خمینی، ۱۴۰۸، ۶۲۶). ایشان در مورد مسئله حصر تجارت بر این باور بودند: «آنچه معمول است از حصر تجارت در چیزی یا چیزهایی به مؤسسه‌ای و تجاری و مانند این‌ها شرعاً اثری ندارد و جلوگیری دیگری از تجارت و صنعت که حلال است و حصر آن‌ها در اشخاص جایز نیست» (موسوی خمینی، ۱۴۰۸، ۵۹۶). ایشان هیچ انحصاری را در مالکیت ادبی، هنری و تجاری و... شرعی نمی‌دانند و معتقدند که همه می‌توانند از نتایج اندیشه‌های علمی و هنری دیگران بهره ببرند. گلیپایگانی نیز تقریباً با عقیده امام موافق هستند و می‌نویسند: «حق طبق، حق تألیف و حق اختراع را به مفهومی که در قوانین موضوعه جدید تعریف شده است، حقیر نتوانسته‌ام با احکام اسلامی تطبیق نمایم. از جمله عقود معاملات هم نیست تا بتوان به عموم بعض ادله مثل اوفوا بالعقود تمسک کرد که دلیل بر امضای مشروعیت آن‌ها می‌باشد؛ اما از آن مثل ادله لفظیه، اطلاق و

چارچوب معینی به عهده ولی امر گذاشته است» (حکمت‌نیا، ۱۳۸۶، ۳۷۷). به تعبیر بنیان‌گذار این نظریه «هر فعل به لحاظ تشریحی مباح است. بنابراین، هر فعالیت و عملی که نص تشریحی بر حرمت یا وجوب آن دلالت نکند، ولی امر می‌تواند با دادن صفت ثانوی از آن منع و یا به آن امر کند» (صدر، ۱۴۱۷، ۶۸۹). به بیانی دیگر، نظریه منطقه الفراغ مدعی است که پاره‌ای از روابط انسان‌تطور و دگرگونی دارد و خداوند متعال شیوه قانون‌گذاری در آن را با تبیین اصول و ضوابطی به عهده حاکم اسلامی گذاشته است. از همین رو یکی از آن حوزه‌ها، شناسایی حقوق مالکیت فکری اطلاعات سری در عرصه تجارت است. بدین شرح که اطلاعات مزبور به لحاظ اینکه در آن خلاقیت فکری هست، در این منطقه قرار دارد و حاکم اسلامی با توجه به مقتضیات زمان و مکان اباحه بهره‌گیری از این‌گونه اطلاعات برای غیر پدیدآورنده آن را منع کرده است. مالکیت فکری به لحاظ موضوعی در منطقه الفراغ واقع است؛ چون از سویی از مصادیق رابطه انسان با طبیعت است و از سوی دیگر امور فکری از مواردی است که تطور و تغییر بنیادین در آن به جهت پیشرفت صنعت و امکانات تکثیر و بهره‌برداری به وجود آمده است و افراد می‌توانند به راحتی از دستاورد فکری دیگران سود سرشار ببرند. بدون آنکه پدیدآورنده از آن عایدات منتفع شود و از این طریق حاصل زحمات و تلاش‌های فکری او به راحتی نادیده گرفته شود. با توجه به مورد اخیر باید قانون‌گذار قواعدی تنظیم کند که از این طریق از پدیدآورندگان حمایت کند.

مطرح نبود، به این دلیل بوده است که در آن دوره آثار فکری و فرهنگی، نشر و گستره محدودی داشت و پدیدآورندگان، توقع بهره‌برداری مادی از آثار خود را نداشتند؛ اما امروزه سیره عقلا بر مالیت این حقوق است و با توجه به اینکه حجیت سپر، ذاتی است، نیاز به امضای شارع و اتصال آن به زمان ندارد. ناسازگاری حقوق معنوی با رسالت و قداست علم از نظر اسلام دلیل دیگر مخالفان است که در نقد این نظر باید گفت کتمان علم یا کسب درآمد از طریق کارهای علمی، دو چیز کاملاً متفاوت است. آنچه مورد نهی قرار گرفته است، گمان علم است نه کسب درآمد از طریق فعالیت‌های علمی. در نهایت اینکه پذیرش و خرید و فروش مالکیت فکری در عرف و ضرورت‌های حمایت از رشد و توسعه علمی در کنار عدم نهی مالکیت فکری از سوی شارع مهم‌ترین دلایل پذیرش این حقوق است.

۵-۳. حقوق مالکیت فکری در حقوق موضوعه

تدوین و تصویب قوانین کپی‌رایت در ایران به سال‌های ۱۳۰۰ باز می‌گردد. قدیمی‌ترین تعهد در این زمینه، معاهده‌ای است که بین ایران و کشورهای آلمان، اسپانیا و ایتالیا منعقد شد. بر اساس این معاهده ایران حمایت محدود از حق مؤلف را متعهد شد. نخستین قانون ثبت علائم تجاری ایران در سال ۱۳۰۴ به تصویب رسید. قرارداد حمایت از تصویب‌نامه‌های اختراع و علائم صنعتی و ادبی نیز از دیگر مواردی است که در سال ۱۳۰۸ بین دولت ایران و آلمان امضا شد و در مجلس ملی به تصویب رسید. در سال ۱۳۰۹ اداره علائم در وزارت اقتصاد ملی مرکزیت یافت و دفتر علائم تجاری نامیده شد. در

عموم استفاده نمی‌شود... در زمان شارع مقدس هم تألیف و اختراع و ابتکار بوده است؛ اما برای مؤلف و مبتکر و مخترع و محقق حقی اعتبار نمی‌شده و شارع هم اعتبار نفرموده است (صافی‌گلپایگانی، ۱۳۹۹، ۱۳۹).

فاضل لنکرانی نیز این‌گونه عقیده خود را بیان فرموده‌اند: «گرچه حضرت امام خمینی اعتبار شرعی این حقوق را نفی نموده‌اند، لکن به نظر قاصر می‌رسد که حقوقی را که از نظر عقلا حق شناخته می‌شود و آثاری بر آن مترتب می‌کنند تا دلیل شرعی بر نفس حق بودن آن‌ها قائم نشده، نمی‌توان آن‌ها را نفی کرد و از ترتب آثار آن‌ها جلوگیری نمود و ادله مانند «الناس مسلطون علی اموالهم» نمی‌تواند نافی حق بودن آن‌ها باشد. همان‌طور که در باب ملکیت لازم نیست دلیل بر ثبوت آن قائم شود؛ بلکه مجرد عدم قیام دلیل بر عدم ملکیت کافی است برای ثبوت شرعی همانند عقلا» (فاضل لنکرانی، ۱۳۷۱، ۲۰۷).

جعفر سبحانی نیز فرموده‌اند: «هر نوع عمل که در نظر عرف و عقلا منشأ حقوق باشد، رعایت آن لازم و تجاوز به آن مصداق ظلم و شرعاً حرام است» (سبحانی، ۱۳۷۱، ۲۰۷).

مخالفان به ناسازگاری مالکیت فکری با قاعده سلطه استناد می‌کنند که در نقد این دلیل می‌توان گفت حقوقی فکری نزد عرف مال محسوب می‌شود و در نتیجه، قاعده سلطه نسبت به آن اعمال خواهد شد. عدم امضای حقوقی فکری از سوی شارع دلیل دیگر مخالفان است. بر این اساس، مالکیت معنوی و اعتبار آن از سوی شریعت تأیید نشده است. در رد این دلیل باید گفت علت اینکه در زمان شارع اختراع و ابتکار وجود داشت و در عین حال حقوق مالکیت فکری

سال ۱۳۰۴، تصویب قانون مربوط به ثبت علائم و اختراعات در سال ۱۳۱۰، وضع قانون مربوط به حمایت از نشانه‌های جغرافیایی در سال ۱۳۸۳ و تصویب قانون ثبت اختراعات، علائم تجاری و طرح‌های صنعتی در سال ۱۳۸۶ و تصویب قانون حمایت از حقوق مؤلفان و مصنفان و هنرمندان در سال ۱۳۴۸ و قانون حمایت از حقوق پدیدآورندگان نرم‌افزارهای رایانه‌ای در سال ۱۳۷۹ (قانون حمایت از حقوق پدیدآورندگان، ۱۳۷۹).

این حقوق فارغ از هرگونه شروط قراردادی، منافی را برای پدیدآورنده‌ی اثر در نظر گرفته است و افراد جامعه را نسبت به رعایت آن ملزم و مکلف می‌کند.

در نهایت با توجه به اهمیت روزافزون حقوق مالکیت فکری یا کپی‌رایت در جهان امروز و حتی پذیرش آن به‌عنوان یکی از گرایش‌های مهم رشته‌های حقوق و نیز با توجه به عنایت به رشد چشم‌گیری تولیدات علمی کشور و جهان و معضلات و مسائل مربوط به عدم رعایت حقوق معنوی و مالکیت فکری توسط برخی افراد و یا نهادهای، لذا به نظر و قانون‌گذاران را با قوانین حقوقی این حوزه آشنا نمود (ستوده تهرانی، ۱۳۸۸، ج ۲، ۱۷).

مقررات مختلفی در ایران در مورد مالکیت فکری وجود دارد. «قانون ثبت علائم و اختراعات» مصوب ۱۳۱۰ و آئین‌نامه اصلاحی آن مصوب ۱۳۳۸ حق مخترع و مالکیت فکری در حوزه صنعت و تجارت را بیان می‌کنند. یک پیمان بین‌المللی معروف به «اتحادیه پاریس برای حمایت از مالکیت صنعتی و تجاری و کشاورزی» مصوب ۱۸۸۳ که ایران در سال ۱۳۳۷ به آن ملحق شده، از دیگر اسناد قانونی ایران در این زمینه است. در زمینه حق مؤلف و هنرمند نیز

سال ۱۳۱۰ قانون ثبت علائم و اختراعات با سه فصل و ۵۱ ماده به تصویب رسید. در سطح بین‌المللی نیز از سال ۱۳۳۷ ایران به‌منظور حمایت از حقوق مالکیت صنعتی و تجاری و کشاورزی عضویت در کنوانسیون پاریس را پذیرفت. در آذر ماه ۱۳۴۸ قوانین نسبتاً جامعی در خصوص حقوق مؤلف و هنرمند تحت عنوان قانون حمایت از حقوق مؤلفان، محققان و هنرمندان در مجلس به تصویب رسید. در دی ماه سال ۱۳۵۲ قانون کپی‌رایت و تکثیر نشریات و آثار صوتی و تصویری پس از انجام اصلاحات فراوان به تصویب مجلس شورای ملی رسید. در سال ۱۳۵۷ با موافقت مجلس شورای اسلامی الحاق ایران به قرارداد بین‌المللی پاریس ادامه پیدا کرد و متن تجدیدنظر شده سال ۱۹۷۹ میلادی پذیرفته و لازم‌الاجرا شد. «در سال ۱۳۷۹ قانون حمایت از حقوق پدیدآورندگان نرم‌افزارهای رایانه‌ای تدوین و تصویب شد. در سال ۱۳۸۰ نیز در رابطه با سازمان‌های بین‌المللی و قراردادهای جهانی لایحه الحاق ایران به سازمان جهانی مالکیت فکری در مجلس شورای اسلامی به تصویب رسید. در سال ۱۳۸۶ قانون ثبت و اختراعات و علائم اصلاح‌شده و همچنین اداره ثبت شرکت‌ها و مالکیت صنعتی منحل شد و به دو اداره مجزا تقسیم گشت که هم‌اکنون اداره مالکیت صنعتی مسائل مربوط به حقوق مالکیت صنعتی را بر عهده دارد» (زارعی دولت‌آبادی، ۱۳۸۶، ۲۸).

در جمهوری اسلامی ایران نیز در رابطه با حمایت از حقوق مالکیت فکری قوانین متعددی به تصویب رسیده است که می‌توان به این موارد اشاره کرد: تصویب اولین قانون مربوط به مالکیت صنعتی در

قانون‌گذاری آن تسهیلات بیشتری ایجاد می‌کند. با تبیین فقهی موضوع معلوم شد که علما در مشروعیت چنین حقی قائل به اختلاف شده‌اند. با توجه به اهمیت موضوع بر اساس احکام اولیه و ثانویه می‌توان استنباط کرد که این حق جزء حقوق مشروع قلمداد می‌شود و باید قوانینی در این خصوص وضع شود. قانون محافظت از حقوق مالکیت افراد در معاملات اقتصادی باعث ایجاد محیط پاداش‌دهنده به نوآوری و در نتیجه، افزایش انگیزه نوآوری، تشویق کشف روش‌هایی با هزینه کمتر برای تولید و توزیع فرآورده‌های موجود، دعوت به عرضه محصولات، دانش فنی و خدمات جدید، تشویق انتقال دانش فنی، افزایش انگیزه کارآفرینی، بهبود کیفیت نیروی کار و افزایش سرمایه‌گذاری جدید می‌شود که نتیجه طبیعی هر یک از موارد بالا افزایش رشد اقتصادی است.

۷. سهم نویسندگان

سهم همه نویسندگان به صورت برابر است.

۸. تضاد منافع

در این پژوهش تضاد منافع وجود ندارد.

قانون حمایت از حقوق مؤلفان و مصنفان و هنرمندان مصوب ۱۳۴۸ و آئین‌نامه اجرایی آن مصوب ۱۳۵۰ در کنار «قانون ترجمه و تکثیر کتب و نشریات و آثار صوتی» مصوب ۱۳۵۲ از منابع قانونی در حقوق ایران در این زمینه است. از نظر جهانی نیز جایگاه ایران در خصوص رعایت حقوق مالکیت فکری خوب نیست. نتایج گزارش شاخص بین‌المللی حقوق مالکیت که با بررسی وضعیت ۱۲۹ کشور جهان تهیه شده است، نشان می‌دهد، رتبه ایران در تأمین حقوق مالکیت فکری از جایگاه ۱۰۷ در سال ۲۰۱۲ به ۱۰۸ در سال ۲۰۱۵ تنزل یافته است (ستوده تهرانی، ۱۳۸۸، ج ۲، ۱۱۰).

۶. نتیجه

مالکیت معنوی اگرچه در حقوق موضوعه دارای سابقه‌ای نسبتاً طولانی است؛ اما در فقه شیعه از موضوعات مستحدثه فقهی به‌شمار می‌آید و فقها باید حکم آن را از مبانی فقهی شیعه استخراج کنند و در اختیار جامعه اسلامی قرار دهند؛ زیرا زیربنای توسعه دانش و فناوری است و توسعه جامعه مستلزم حمایت از آن است. فقه امامیه حقوق معنوی را برای اشخاص محفوظ می‌داند. با استناد به آیه «وفوا بالعقود» و همچنین قاعده مصالح مرسله و قاعده لاضرر حق معنوی برای افراد محفوظ است و با توجه به اینکه فنون ساخت و انتقال تکنولوژی هم جزو حقوق معنوی است؛ لذا از قواعد مربوط به مالکیت فکری تبعیت می‌کند. قانون ایران به‌طور مستقیم از فقه امامیه نشئت گرفته است. لذا مالکیت فکری نیز از این امر مستثنی نبوده است. بر این اساس بررسی مفهوم فقهی و ریشه و مبانی مالکیت فکری در امر

منابع

فارسی

- سبحانی، جعفر، «بررسی حقوق مالکیت فکری در فقه شیعه و حقوق موضوعه»، فصلنامه رهنمون، شماره ۲، ۱۳۷۱.
- ستوده تهرانی، حسن، حقوق تجارت، جلد دوم، چاپ سیزدهم، تهران، نشر دادگستر، ۱۳۸۸.
- سلطانی، عباسعلی؛ رحیمی، مرتضی، «حقوق معنوی و آثار شرعی آن»، نشریه مطالعات دانشکده مشهد، شماره ۶۷، ۱۳۸۶.
- شاکری، زهرا؛ جعفرپور، یاسمن، «چالش‌های حقوق مالکیت فکری برای حمایت از آثار هنری در موزه‌های معاصر»، مجله مطالعات فرهنگ ارتباطات، شماره ۸۳، ۱۳۹۹.
- شبیری سیدحسن، «آشنایی با حقوق مالکیت فکری نرم‌افزار»، مجله ره‌پویا، شماره ۶، ۱۳۸۳.
- غزالی، محمدبن محمد، المستصفی من علم الأصول، جلد اول، چاپ اول، تهران، نشر احسان، ۱۳۸۲.
- فاضل لنکرانی، محمد، «بررسی حقوق مالکیت فکری در فقه شیعه و حقوق موضوعه»، فصلنامه رهنمون، شماره ۲، ۱۳۷۱.
- فیض، علیرضا، مبادی فقه و اصول، چاپ هفتم، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۴.
- محمدی، محسن؛ جلیلی، سیدمهدی، «بررسی حقوق مالکیت فکری»، اولین همایش ملی مطالعات و تحقیقات نوین در حوزه علوم تربیتی و روانشناسی، ۱۳۹۴.
- مظفر، محمدرضا، اصول الفقه، جلد دوم، چاپ چهارم، قم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۰.
- ایزدی‌فرد، علی‌اکبر؛ محسن‌زاده، احمدعلی؛ «انتقال حقوق مالکیت فکری در حوزه ادبی-هنری (حق مؤلف) در فقه امامیه و حقوق ایران»، مجله حقوق پزشکی، شماره ۳، ۱۳۹۳.
- آیتی، حمید، حقوق آفرینش‌های فکری با تأکید بر حقوق آفرینش‌های ادبی هنری، چاپ اول، تهران، نشر حقوقدان، ۱۳۷۵.
- توحیدی، محمدعلی، مصباح الفقاهه (تقریرات درس سیدابوالقاسم خویی)، جلد سوم، چاپ اول، قم، انتشارات وجدانی، ۱۳۶۸.
- جعفری‌لنگرودی، محمدجعفر، ترمینولوژی حقوق، چاپ بیست‌ودوم، تهران، انتشارات گنج دانش، ۱۳۸۸.
- جناتی، محمدابراهیم، منابع اجتهاد از دیدگاه مذاهب اسلامی، چاپ اول، تهران، مؤسسه کیهان، ۱۳۷۰.
- حائری سیدکاظم، «بررسی فقهی حق ابتکار»، نشریه فقه اهل‌بیت، شماره ۲۳، ۱۳۷۹.
- حسین‌زاده یزدی، محمد، «بررسی پیامدهای سیاسی قاعده لاضرر»، نشریه معرفت سیاسی، شماره ۷، ۱۳۹۱.
- حسینی روحانی، سید محمدصادق، المسائل المستحدثه، جلد دوم، قم، مکتبه محمدی، ۱۳۸۵.
- حسینی، محمد؛ طرقی، مرتضی، «صلح التزامی به سود طرف مصالحه»، مجله کانون، شماره ۴۷، ۱۳۸۲.
- حکمت‌نیا، محمود، مبانی مالکیت فکری، چاپ اول، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۸۶.
- زارعی دولت‌آبادی، علیرضا، «مالکیت فکری»، ماهنامه تکفا، شماره ۱، ۱۳۸۶.

- موسوی بجنوردی، سیدمحمد، «بررسی حقوق مالکیت فکری در فقه شیعه و حقوق موضوعه»، فصلنامه رهنمون، شماره ۲، ۱۳۷۱.
- مهرابی، مختار، «ماهیت حقوق مالکیت فکری و نقش آن در حقوق اموال»، مجله مطالعات حقوق، شماره ۷، ۱۳۹۵.
- میرحسینی، سیدحسن، مقدمه‌ای بر حقوق مالکیت فکری، چاپ دوم، تهران، نشر میزان، ۱۳۸۵.
- هادوی نیا، علی اصغر، «مبانی نظری ساختار مالکیت از دیدگاه قرآن»، نشریه اقتصاد اسلامی، شماره ۱۲، ۱۳۸۲.
- یوسفوند، محمود، مبانی حقوق مالکیت فکری در فقه و قانون، چاپ اول، تهران، نشر خرم، ۱۳۸۵.
- الندوی، ابوالحسن، بررسی فقهی حق تألیف و حق چاپ، چاپ اول، تهران، نشر هزاران، ۱۳۷۶.
- عربی**
- اصفهانی، فتح‌اله، مسأله لاضرر، قم، دفتر نشر اسلامی، ۱۴۱۰.
- اصفهانی، محمدحسین، حاشیه کتاب مکاسب، جلد چهارم، قم، أنوار الهدی، ۱۴۱۸.
- آمدی، علی بن محمد، الاحکام فی اصول الاحکام، جلد سوم، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۰۵.
- انصاری، شیخ مرتضی، رسائل، قم، انتشارات اسماعیلیان، ۱۴۱۴.
- انصاری، شیخ مرتضی، مکاسب، تبریز، نشر اطلاعات، ۱۳۷۵.
- حکیم، سید محمدتقی، اصول العامة للفقہ المقارن، قم، المجمع العالمی لأهل البيت علیهم السلام، ۱۴۱۸.
- خویی، سید ابوالقاسم، مصباح الفقاهة، جلد دوم، قم، نشر الفقاهة، ۱۴۱۹.
- الدیني، فتحی، حق الابتکار فی الفقه الاسلامی المقارن، بیروت، مؤسسه الرساله، ۱۴۰۱.
- روحانی، محمدصادق، استفتائات قضائیه و مؤسسه حقوقی وکلای بین‌المللی، قم، مؤسسه دارالکتب، ۱۴۲۰.
- الزحیلی، وهبة، الفقه الاسلامی فی اسلوبه الجدید، جلد سوم، دمشق، دارالفکر، ۱۹۸۹.
- صافی گلپایگانی، محمدرضا، بلغة الطال(الأول)، قم، چاپ خیام، ۱۳۹۹.
- صدر، سید محمدباقر، اقتصادانا، بیروت، دارالتعارف للمطبوعات، ۱۴۰۲.
- صدر، سیدمحمد باقر، اقتصادانا، بیروت، مكتبة الاعلام الاسلامی، ۱۴۱۷.
- موسوی خمینی، روح‌اله، تحریر الوسيله، قم، دار الحکمیة العلمیه، ۱۴۰۸.
- نراقی، ملأ احمد، عوائد الايام، قم، انتشارات بصیرتی، ۱۴۰۸.